

اثرگذاری حفظ حقوق اقلیت‌های مذهبی بر تأمین صلح و امنیت منطقه‌ای محمد سجادی^۱

حقوق اقلیت‌های مذهبی، امتیازاتی است که این گروه به لحاظ وابستگی به مذهب خاص از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند. به نظر می‌رسد تأمین حقوق فرهنگی، مدنی، اجتماعی، اقتصادی و هم‌بستگی اقلیت‌های مذهبی ضمن آن‌که موجب جلوگیری از اعتراضات و تشدید نزاع‌های داخلی، مداخلات گروه‌های هم‌سو در کشورهای مجاور و تنش میان دو کشور، غارت سرمایه ملی و منطقه و وابستگی خارجی می‌شود، صلح و امنیت پایدار، هم‌گرایی، شکوفایی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منطقه‌ای، جلوگیری از توسعه تروریسم مذهبی و مبارزه با موج جدید اسلام‌هراسی را به دنبال دارد. برای انسجام، الزام و پای‌بندی بیش‌تر به حفظ حقوق اقلیت‌های مذهبی در کشورهای منطقه، دولت‌ها باید شاخص‌ترین حقوق اقلیت‌های مذهبی را در اعلامیه‌ای مشخص بپذیرند و اعضا نیز ملزم به ذکر آن‌ها در قوانین اساسی خود شوند.

کلیدواژگان

اقلیت‌های مذهبی، صلح و امنیت منطقه‌ای، حقوق بشر، جلوگیری از تروریسم مذهبی، اسلام‌هراسی.

۱. دانشجوی سال چهارم دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی و عضو سابق هیئت علمی دانشگاه ابن سینا (شعبه مزار شریف).

مقدمه

صلح خواه به معنای حالت آرامش در روابط عادی و خواه به معنای فقدان جنگ و نظام تهدید دانسته شود (فرهنگ علوم سیاسی، آقابخشی و افشاری، ۱۳۸۲: ۱۹۲ و ۱۹۳)، بنیان زندگی اجتماعی انسان و از قدیمی‌ترین آرمان‌های مقدس بشری است.

امنیت در حقوق بین الملل که در مقابل تجاوز به کار می‌رود، به دو قسم ملی و دسته‌جمعی تقسیم می‌شود (عمید زنجانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱: ۳۲۲) و دارای مؤلفه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. به لحاظ حقوق اساسی، امنیت عقیده،^۱ امنیت جانی^۲ و امنیت مالی از جمله امتیازاتی است که انسان‌ها به مقتضای انسان بودن و شهروند بودن خویش باید از آن‌ها بهره‌مند باشند. بدون شک، شکوفایی کشورها در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی فقط در سایه برخورداری از امنیت ملی و دسته‌جمعی و بهره‌مندی افراد از امنیت عقیده، جان و مال ممکن است.

با توجه به جایگاهی که صلح و امنیت در توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه دارد، مبارزه با عوامل تهدیدکننده آن‌ها امروزه بیش از گذشته ضروری به نظر می‌رسد. یکی از عوامل اساسی که می‌تواند به عنوان تهدید یا فرصتی نسبت به صلح و امنیت در سطح کشوری، منطقه‌ای و جهانی مطرح باشد، حقوق اقلیت‌ها به طور کلی، مخصوصاً حقوق اقلیت‌های مذهبی است؛ زیرا این دسته از قدیمی‌ترین اقلیت‌های شناخته شده و همواره مورد ستم و بلکه جنایاتی چون نسل‌کشی بوده است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۰: ۹-۱۵ و لسانی، ۱۳۸۲: ۱۴۲)

اقلیت مذهبی بسته به این‌که در قلمرو چه حاکمیتی باشد، متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال، این اصطلاح در سیستم حقوقی ایران که بر مبنای اکثریت شیعی دوازده‌امامی استوار است، دیگر مذاهب به جز شیعه مانند طرفداران مذاهب چهارگانه معروف اهل سنت و شیعه زیدیه را شامل می‌شود. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل دوازدهم) به هر حال، اقلیت مذهبی عبارت است از گروهی از اتباع یک کشور که از

۱. ایجاد فضای زندگی، اهانت به مقدسات، اباحی‌گری، اشاعه شبهات بی‌پایه و نشر کتب ضاله از عوامل مخل به امنیت عقیده دانسته شده است (عمید زنجانی و دیگران، ج ۱، ص ۳۲۳)

۲. به معنای مصونیت جان و روح انسان از هر نوع تعرض است؛ از این‌رو قتل، جرح، ادماء، خراش، ارعاب، ایجاد اضطراب و فضای وحشت از مصادیق ناامنی جانی است. (عمید زنجانی و دیگران، ج ۱، ص ۳۲۴)

لحاظ مذهبی از دیگر گروه‌های مردم متفاوت، از لحاظ تعداد کم‌ترند و قدرت حکومت را نیز در دست ندارند. (مهرپور، ۱۳۷۶: ۱۷۶) مراد از اقلیت مذهبی در این تحقیق، مسلمانان پیرو یکی از مذاهب اسلامی است که در قلمرو یک حکومت و کشور نسبت به مذهب مورد حمایت حاکمیت، از تعداد کم‌تری برخوردارند و در ساختار سیاسی اقتدار چشم‌گیری ندارند.

بر این اساس، مسئله اصلی در پژوهش حاضر این است که عدم تأمین حقوق اقلیت‌های مذهبی چه چالش‌هایی و تأمین آن، چه فرصت‌ها یا چالش‌هایی می‌تواند برای صلح و امنیت منطقه‌ای داشته باشد. نحوه تعامل اکثریت با اقلیت و میزان تأثیرگذاری آن بر صلح و امنیت اجتماعی از دیرباز به عنوان یک امر چالشی مطرح بوده است، ولی امروزه احتمال چالش‌زایی آن بیش از هر زمانی دیگری محسوس است؛ زیرا افزون بر آن که مرزبندی‌های اجباری اقلیت‌های مذهبی گوناگونی را در قلمرو حاکمیت‌ها پراکنده نموده است، (لسانی، ۱۳۸۲: ۳: ۱۴۲) حق طلبی‌های ایشان از یک طرف و امتناع دولت‌ها از به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌های تحت حاکمیت خود از طرف دیگر، ممکن است صلح و امنیت داخلی، منطقه‌ای و جهانی را در مخاطره جدی قرار دهد. از این رو، در این تحقیق، تأثیرات و پی‌آمدهای مثبت و منفی به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌ها و عدم آن نسبت به صلح و امنیت منطقه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرند تا ارتباط متغیرهای فوق و تأثیرگذاری‌شان بر صلح و امنیت منطقه‌ای مشخص گردد.

۱) مبانی لزوم توجه به حقوق اقلیت‌های مذهبی

اکثریت کشورهای منطقه آسیای غربی و حاکمان آن‌ها از یک طرف مسلمانند و علی‌القاعده باید پیرو اصول مسلم حقوقی اسلام باشند. از طرف دیگر، ساختار نظم‌نویین جهانی به گونه‌ای است که حکومت‌های منطقه یا فعلاً عضو معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی اند یا به ناچار باید بدان ساختار بپیوندند. در هر صورت، این امر، حاکمیت مطلق ایشان را محدود کرده و به تمامی حقوقی که در اسناد مزبور برای اقلیت‌های مذهبی به رسمیت شناخته شده است، جنبه بین‌المللی می‌دهد و در نتیجه، ایشان در ارتباط با قلمرو حقوق اقلیت‌ها نمی‌توانند به صلاحیت انحصاری قوانین داخلی خود استناد کنند (مهرپور، ۱۳۹۲: ۲۳). از این رو، ایشان ملزمند نسبت به اتباع خویش به خصوص اقلیت‌ها که در مظان نقض حقوق بشری قرار دارند، مبانی اسلامی حقوق بشر و اسناد بین‌المللی را در مشی تقنینی، اجرایی و قضایی خویش مورد توجه قرار دهند.

برای روشن شدن بحث، به برخی از مستندات و مبانی لزوم مراعات حقوق بشر اشاره می‌شود.

الف) از دیدگاه اسلام

انسان، از دیدگاه اسلام نه دارای پلشتی ذاتی و وجدان گناه‌کار، بلکه دارای کرامت ذاتی (اسراء: ۷۰)، برخوردار از روح الهی (حجر: ۲۹ و ص: ۷۲)، خلیفه خدا در زمین (بقره: ۳۰)، مسجود فرشتگان، (بقره: ۳۴)، دارای حق حیات (انعام: ۱۵۱ و مائده: ۳۲) و تنها موجودی است که آفرینش آن مایه تحسین خداوند گردیده است (مؤمنون: ۱۴). هر گاه این کرامت ذاتی و برادری نوعی (نهج البلاغه: نامه ۵۳) با مسلمان بودن قرین گردد، رابطه مستحکم برادری اسلامی پدید می‌آید (حجرات: ۱۰) که هم‌گرایی مذهبی و مراعات حقوق انسانی و اسلامی برادران در قلمرو حکومت‌های مختلف اسلامی را مضاعف و بایسته می‌سازد. افزون بر آن، رفتار عادلانه و منصفانه در حالت دشمنی با دیگر انسان‌ها به خصوص هم‌کیشان، اصلی خدشه‌ناپذیر است (مائده: ۸) و برتری طلبی و تبعیض عامل اصلی جنگ و ناامنی (عمید زنجانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲: ۲۱۹) است و اساساً صلح و امنیت پایدار مرهون تعامل عادلانه است و بدون آن شکننده خواهد بود (بیگزاده، ۱۳۸۷: ۲۸: ۱۹). علاوه بر مسئله کرامت ذاتی، اخوت اسلامی (حجرات: ۱۰) و لزوم رفتار عادلانه با هم‌کیشان، آموزه‌های دینی حاکی از لزوم زندگی مسالمت‌آمیز مسلمانان با غیر مسلمانانی است که ایجاد ناآرامی در قلمرو حاکمیت اسلامی را مورد اهتمام خویش قرار نمی‌دهند. (ممتحنه: ۸)

بر این اساس، هم‌زیستی صلح‌جویانه با اقلیت‌های مذهبی، نه به عنوان یک استراتژی، بلکه به عنوان یک اصل و قاعده بنیادین اسلامی از اولویت انکارناپذیری برخوردار است و اصلاح عادلانه مواردی که ممکن است به ناآرامی‌های داخلی یا خارجی منجر گردند، به عنوان یک دستور و تکلیف شرعی تلقی می‌شود، نه توصیه اخلاقی (حجرات: ۹ و ۱۰). ماده ۲۲، بند «د» مقرر کرده است: «برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست.»

ب) از دیدگاه اسناد حقوق بشری

کرامت ذاتی (اعلامیه جهانی حقوق بشر، مقدمه و مواد ۴-۶) و تساوی حقوقی / ممنوعیت تبعیض (منشور ملل متحد، ماده ۵۵، بند ج و اعلامیه جهانی حقوق بشر،

ماده ۲) در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جایگاهی ویژه برخوردار و در موارد متعدد یادآوری و بر آن‌ها تأکید شده است. البته برخی از حقوق بنیادینی چون حق حیات (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۳) که در اسناد بین‌المللی آمده است، افزون بر معنای عام حیات که شامل حیات فردی می‌شود، حیات گروهی را نیز دربرمی‌گیرد؛ بدین توضیح که حیات افراد و اعضای اقلیت‌های مذهبی از حیات گروه قابل تفکیک است و ممکن است فردی وابسته به اقلیت مذهبی زنده باشد، ولی گروه اقلیت مذهبی به علت از دست دادن ویژگی‌های خود زنده نباشد. (ترنبری، ۱۳۷۹: ۲۷) حق حیات جمعی گروه از دیدگاه اسناد بین‌المللی کیفری افزون بر قتل و ایراد صدمه شدید با قرار دادن گروه در وضعیت نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی گردد، جلوگیری از توالد و تناسل و انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر نیز قابل تحقق است که در اصطلاح بدان نسل‌زدایی گفته می‌شود. (اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری، ماده ۶)

حقوق بنیادین مزبور، داشتن عقیده بدون مزاحمت (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۹۱)، برخورداری از آزادی اندیشه و مذهب (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۸۱، بند ۱)، ممنوعیت تحت فشار قراردادن به خاطر مذهب (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۸۱، بند ۲)، لزوم احترام و تضمین حقوق تمام ساکنان در قلمرو حاکمیت بدون هیچ تمایزی از سوی دولت‌های عضو (میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۲)، ممنوعیت حمایت از ایجاد تنفر مذهبی (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۰، بند ۲)، ممنوعیت محروم ساختن اقلیت‌های مذهبی از تمتع ایشان از حقوق دینی یا فرهنگی ویژه و اظهار تعلق بدان (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۷۲) ممنوعیت اعمال تبعیض دینی و عقیدتی از سوی دولت (اعلامیه محو تمامی اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر مذهب و یا عقیده (۲۵ نوامبر ۱۹۸۱)، ماده ۲، بند ۱) در این اسناد به رسمیت شناخته شده‌اند. به جز موارد یادشده دیگر حقوق اقلیت‌ها نیز در اسناد مختلف آورده شده است که از باب نمونه به حقوقی اشاره می‌کنیم که در ماده ششم اعلامیه رفع تمامی اشکال تبعیض مبتنی بر مذهب یا عقیده، حق آزادی فکر، وجدان، مذهب یا عقیده ذکر می‌گردد:

الف) انجام فرایض و برگزاری جلسات مذهبی یا عقیدتی، ایجاد و نگاه‌داری اماکنی برای این اهداف؛

ب) آزادی تأسیس و حفظ نهادهای خیریه یا بشردوستانه؛

ج) آزادی تهیه، کسب و استفاده از اشیا و لوازمی که از طریق مراسم و یا از راه مذهب یا عقیده فراهم شده است؛

د) آزادی نوشتن، چاپ و انتشار نشریه درباره این موضوعات؛

ه) آزادی آموزش مذهب یا عقیده در مکان‌های مناسب با این اهداف؛

و) آزادی درخواست کمک‌های داوطلبانه، مالی و غیره از افراد و نهادها؛

ز) آزادی تربیت، انتصاب، انتخاب یا تعیین رهبران مربوطه به طور متناوب و بر حسب نیازها و هنجارهای هر مذهب یا عقیده؛

ح) آزادی رعایت ایام تعطیل و برگزاری جشن‌ها و مراسم مطابق تعالیم مذهبی یا عقیدتی؛

ط) آزادی ایجاد و برقراری رابطه با افراد و جماعات در زمینه مذهب یا عقیده، در سطح ملی و بین‌المللی.

بنا بر این، مبانی محکم و متعددی وجود دارند که می‌توانند دولت‌ها را به دلیل پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی ملزم به مراعات حقوق اقلیت‌های مذهبی بنمایند، اما این که حقوق اقلیت‌های مذهبی از چه گستره‌ای برخوردار است، در زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۲) گستره حقوق اقلیت‌های مذهبی

حقوق و امتیازاتی که این گروه باید از آن‌ها برخوردار باشند، دارای گستره وسیعی است. دلیل این گستره چیست؟ بازنگری و دقت در مبانی یادشده در دو سیستم حقوقی اسلام و حقوق بشری، پاسخ این پرسش را روشن می‌سازد؛ بدین بیان که هر کدام از مبناهای یادشده لوازم و اقتضائاتی دارد که پذیرندگان آنها به‌ناچار باید بدین لوازم پای‌بند باشند. اساساً به رسمیت شناختن حق حیات، کرامت انسانی، اخوت اسلامی، عدالت، وظیفه‌انگاری صلح و امنیت اجتماعی و ممنوعیت تبعیض، بدون فراهم کردن بسترهای لازم برای حقوق اقلیت‌های مذهبی جایگاه روشنی ندارد و بی‌معناست. بنابراین، هر گاه اقلیت‌ها چه از لحاظ آزادی‌های مشروع و چه از لحاظ حقوقی در تنگنا و یا سیاست دوگانه حکومت قرار گیرند، حداقل‌های حقوقی ایشان مراعات نشده است. از این رو، اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲ تصریح کرده است که هر کس بدون هیچ‌گونه تمایز مذهبی می‌تواند از تمام حقوق و آزادی‌هایی بهره‌مند گردد که در اعلامیه حاضر ذکر شده است.

با توجه به مبانی و ماده مزبور می‌توان گفت قلمرو حقوق اقلیت‌های مذهبی به گستره تمامی حقوقی است که در دو میثاق بین‌المللی «حقوق مدنی و سیاسی» و «حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی» و دیگر کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی چون «کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان» ذکر شده است. بر این اساس، اقلیت‌های مذهبی بسان دیگر شهروندان از تمامی حقوقی که طی سه نسل حقوق بشر بیان شده است، بهره‌مندند. این سه نسل حقوق بشر، افزون بر دو گروه حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، حقوق جمعی/ هم‌بستگی از قبیل تعیین سرنوشت، دسترسی آزاد به منابع طبیعی، توسعه اقتصادی، زندگی در جهانی همراه با صلح و آرامش، برخورداری از محیط زیستی سالم و حق بر میراث مشترک را نیز دربرمی‌گیرد (ذاکریان، ۱۳۷۹: ۱۵۷ و ۱۵۸: ۱۳۰). از این‌رو، این دسته از حقوق نیز همانند دو نسل گذشته از حقوق بشر، دموکراسی و صلح غیر قابل تفکیک است. (کنفرانس جهانی حقوق بشر ۱۹۹۳)

با وجود قلمرو وسیعی که حقوق اقلیت‌های مذهبی دارند، این مسأله واضح به نظر می‌رسد که تمامی حقوق آن‌ها به لحاظ اهمیت در یک درجه نیستند؛ بلکه برخی از حقوق و آزادی‌هایشان که مرتبط با موجودیت، هویت جمعی و بقای فرهنگی ایشان است، باید از اهمیت بیش‌تری برخوردار باشند (هاشمی، ۱۳۹۲: ۳۸۵ و زمانی، ۱۳۸۴: ۱۵ و ۱۶: ۱۶۹). بدین جهت، سیاست‌هایی که امروزه از سوی برخی قدرت‌های منطقه یا تحت حمایت ایشان راجع به آثار فرهنگی اقلیت‌های مذهبی از قبیل تخریب، سرقت، تسبیب در خرابی، تجاوز به آثار فرهنگی، تاریخی و مذهبی (وکیل و عسکری، ۱۳۸۳: ۶۹) و ایجاد هر نوع تغییرات منفی در آثار مذهبی مربوط به اقلیت‌ها، محدودیت در مشارکت سیاسی، نادیده‌انگاری حقوق مربوط به احوال شخصیه و محدودیت در اجرای مراسم مذهبی انجام می‌شود، به موجب اسناد بین‌المللی، نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی به شمار می‌رود که با آموزه‌های اسلامی نیز سازگاری ندارند.

۳) فرصت‌ها و چالش‌های حقوق اقلیت‌های مذهبی

تأمین حقوق اقلیت‌ها پی‌آمدهای مثبت و منفی و عدم تأمین حقوق ایشان پی‌آمدهایی منفی دارد که لازم است هر کدام تفکیک شود.

الف) فرصت‌های تأمین

فرصت‌هایی که ممکن است از طریق تأمین حقوق اقلیت‌های مذهبی به دست آیند،

بیش‌تر از آن چیزی است که در این مقاله عنوان می‌شوند، اما هدف تحقیق، شمردن تمام فرصت‌های فراروی تأمین حقوق اقلیت‌ها نیست، بلکه تنها به بخشی از مهم‌ترین فرصت‌های کشوری و منطقه‌ای و بین‌المللی که ممکن است از این طریق حاصل شود، به صورت اختصار اشاره می‌شود:

۱. ایجاد صلح مثبت و امنیت پایدار: اسناد حقوق بشری حاکی از پیوند ناگسستنی صلح و امنیت با تأمین حقوق اقلیت‌هاست. مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر به صراحت، صلح را مبتنی بر حفظ حیثیت بشری و بهره‌مندی از آن و منشور سازمان ملل متحد، در ماده ۵۵، بند «ج» مبنای صلح و امنیت را احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بدون تبعیض دانسته است. تأکید سازمان ملل متحد و شورای امنیت بر پیوند جهانی صلح و امنیت با مراعات حقوق بشر در قطع‌نامه ۷۹۴ و جدا ناشدنی خواندن صلح و حقوق بشر در اعلامیه پایانی کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر تهران، مصوب ۱۹۶۸، شاهد روشن دیگری بر این مدعاست که از دیدگاه اسناد و نهادهای بین‌المللی میان مراعات حقوق اقلیت‌های مذهبی و امنیت و صلح رابطه مستقیمی وجود دارد. (تاموشات، ۱۳۸۶: ۳۶) از آن‌جا که مراعات حقوق بشر و تأمین حقوق اقلیت‌های مذهبی صلح و امنیت را به دنبال دارد و این دو از مصادیق بارز «بر» و «عمل صالح» است، تأمین حقوق اقلیت‌ها از دیدگاه اسلام نیز یک امر ارزشی خواهد بود؛ زیرا صلح و امنیت نقش ویژه‌ای در تقرب به خداوند دارد. (عمید زنجانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۲۹)

مطلب مهم در ارتباط حقوق اقلیت‌ها و صلح و امنیت این است که صلح دارای دو مفهوم مضیق (نبود جنگ) و موسع (نبود خشونت ساختاری و بنیادین) است (ساکی، ۱۳۹۲: ۱۴۵). ملت‌های منطقه و اسناد بین‌المللی به دنبال کدام صلحند و کدام صلح به عنوان فرصتی مطرح است که از طریق تأمین حقوق اقلیت‌ها به دست می‌آید؟ تفکیک میان دو نوع صلح یادشده و این‌که کدام یک از آن دو به عنوان فرصت مطرح است، در نگاه ابتدایی شاید ساده به نظر رسد، ولی چنان‌که امروزه در رویکرد سیاسی و امنیتی بسیاری از کشورهای منطقه مشهود است، آن‌چنان هم ساده نیست. ممکن است به ناحق، جایگاه آن دو عوض و صلح به مفهوم مضیق مطلوب اصلی تلقی شود؛ بدین بیان که حفظ و استمرار صلح چه بسا برای تداوم اقتدار از سوی حکومت‌های اقتدارگرای مطلق و دیکتاتوری صورت گیرد. از این رو، در چنین موقعیتی نباید در انتظار صلحی بود که لزوماً هم‌گرایی، شکوفایی و توسعه را به دنبال دارد.

این که تأمین حقوق اقلیت‌ها چگونه صلح مطلوب و امنیت پایدار را به دنبال خواهد داشت، مطلب مهم و قابل توجهی است. صلح و امنیت پایدار دارای مؤلفه‌هایی است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها در کلام بزرگان مورد اشاره قرار گرفته است.

پایه بودن اجتماع برای امنیت به معنای رضایت‌مندی و حمایت مردم از حکومت و به تعبیر دیگر، در مقبولیت عمومی حکومت است. مقبولیت عمومی هم زمانی حاصل خواهد شد که عدالت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر جامعه حاکم باشد. چنین وضعیتی است که می‌تواند منجر به امنیت داخلی و بین‌المللی شود (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۸: ۱۳۷)؛ زیرا در چنین فرضی، منافع و حقوق اقلیت‌های مذهبی تأمین است و در نتیجه، نه آن‌ها در صدد اختلاف و انتقام‌گیری از دولت بر می‌آیند و نه زمینه‌ای برای دخالت‌های بی‌جای حامیان و دولت‌های مجاور و ذی نفع از طریق بهانه‌گیری حقوق اقلیت‌ها می‌ماند تا کشوری مورد تجاوز قرار گیرد.

اگر امروزه در کشورهای منطقه آسیای غربی، ناامنی، نقض صلح و حقوق بشر، بیش‌تر از هر جای دیگر به چشم می‌خورد، بدان علت است که در این منطقه، عدالت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و رضایت‌مندی مردم از حکومت به کم‌ترین حد خود رسیده است. پی‌آمد آشکار عدم رضایت مردم، پدیده‌هایی مانند بیداری عربی و جابه‌جایی حاکمیت‌ها در کشورهای عربی و جنگ قدرت در خاورمیانه است که ضریب امنیت منطقه را به شدت کاسته است. از این رو، لازم است در کنار رضایت مردم، رضایت کشورهای تأثیرگذار در منطقه نیز فراهم گردد و هر قدرتی امنیت خود را در گرو دیگری بدانند و نوعی رژیم امنیتی تعریف گردد که مورد قبول همه کشورهای منطقه باشد. (کاووسی، ۱۳۸۶: ۸۷: ۲۸۵) بدون شک، حل چالش حقوق اقلیت‌ها به خصوص اقلیت‌های مذهبی می‌تواند بیش‌ترین تأثیر را در حصول رضایت ملت‌ها و کشورهای حامی آن‌ها داشته باشد، مخصوصاً که این امر از پشتوانه اسلامی و حقوق بشری نیز برخوردار است.

۲. هم‌گرایی: پیوستگی و نزدیکی اعضای یک واحد یا مجموعه (انوری: ۸: ۸۴۱۱) در دو سطح داخلی و بین‌المللی و در حوزه‌های مختلف مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از ضرورت‌های زندگی امروزی است که بدون آن هیچ حرکت مثبتی امکان‌پذیر نیست. دین اسلام هر چند عنصر مهمی است که می‌تواند رابطه دوستانه میان مسلمانان ساکن در یک جغرافیای کوچک یا بزرگ ایجاد نماید، اما تکثر مذاهب اسلامی و وجود اکثریت و اقلیت مذهبی اگر به درستی مدیریت نشود، می‌تواند تهدیدی بر ضد هم‌گرایی

و زمینه‌ای برای واگرایی در میان مسلمانان گردد. از این رو، لازم است راه‌کاری سنجیده شود تا فرصت هم‌گرایی به آسانی در دسترس قرار گیرد و از چالش واگرایی جلوگیری به عمل آید. افزون بر مشترکات اعتقادی، اخلاقی و حقوقی اسلام، برابری در حقوق و توجه به خواست‌های مشروع اقلیت‌های مذهبی راه حل خوبی برای این مشکل است که زمینه اختلافات مذهبی را در سطح داخلی و منطقه‌ای تقلیل می‌بخشد. طبیعی است که نفس هم‌گرایی مذهبی دیگر گونه‌های آن چون هم‌گرایی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را نیز به دنبال خواهد داشت.

۳. شکوفایی و توسعه پایدار: رشد و توسعه همه جانبه جامعه در صورتی پایدار خواهد بود که در فرآیند آن، تنوع فرهنگی به شکل اصیل خود محفوظ بماند (آریاپارسا، ۱۳۹۳: ۲). حفظ تنوع فرهنگی بدون تأمین حقوق اقلیت‌های مذهبی امکان‌پذیر نیست. از این رو، می‌توان گفت تأمین حقوق اقلیت‌های مزبور بدین سبب که موجب صلح و امنیت دوام‌دار و هم‌گرایی مذهبی، فرهنگی و سیاسی در سطح داخلی و منطقه‌ای می‌گردد، رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در دو سطح فوق را نیز در پی دارد؛ بدین توضیح که با تأمین حقوق اقلیت‌های مذهبی از یک طرف زمینه اعتراض و شورش گروه مذکور علیه اکثریت و حاکمیت، دخالت گروه‌های هم‌سویشان در کشورهای مجاور، قدرت‌های جهانی و بیگانگان قطع می‌شود. از طرف دیگر، دشمن‌انگاری گروه حاکم و نگرش منفی اکثریت نسبت به بخشی از جامعه تغییر می‌کند و در نتیجه، تمام توان و تلاش ملت و دولت مردان در راستای آبادانی، کشف و به فعلیت رساندن ذخایر و منابع زیرزمینی، ایجاد تأسیسات همگانی و توسعه فرهنگی صرف می‌گردد.

۴. جلوگیری از گسترش تروریسم: با وجود آن‌که اسلام، دین صلح و مبرا از ریختن خون بی‌گناهان است و عملیات تروریستی را امری نابخشودنی می‌داند (گروه تحقیق مؤسسه و جمعی از نویسندگان عرب، ۱۳۸۶: ۲۹۴ و ۳۹۴)، امروزه گونه مذهبی تروریسم به صورت جدی نمود یافته و صلح و امنیت انسان‌ها را در معرض خطر جدی قرار داده است (بهارى و بخشى، ۱۳۹۰: ۲۷: ۱۵۹). نمونه بارز آن هم وجود گروه‌های تکفیری است که مشی دهشت‌افکنی‌شان بر مبانی اندیشه سلفی‌گری و تکفیر اقلیت شیعی استوار است. قطع نظر از عوامل پشت پرده پیدایش گروه‌های تروریستی تکفیری، این واقعیت روشن است که در عصر حاضر، منطقه غرب آسیا بستر پیدایش و توسعه تروریسم مذهبی شده و این پدیده مورد حمایت برخی از قدرت‌های منطقه قرار گرفته است.

واقعیت‌های موجود حاکی از آن است که آماج این جریان هم‌چنان به سمت دیگر مناطق و قاره‌ها در حال گسترش است و اگر برای کنترل آن تدابیر جدی اندیشیده نشود، به زودی دامن‌گیر حامیان مستقیم و غیر مستقیم خود نیز خواهد شد. یکی از راه‌های کاستن نفوذ تروریسم مذهبی و کنترل هر چه بهترش این است که کشورهای منطقه مذهب اقلیت‌های ساکن را بپذیرند و هر نوع فعالیت ضد اقلیتی از قبیل تکفیر، توهین و تخریب مقدسات اقلیت‌های مذهبی را جرم بدانند و برای مرتکبان آن‌ها نیز مجازات‌های سختی تعیین نمایند. بدیهی است با چنین سیاست جنایی، افزون بر حصول هم‌گرایی اقلیت‌ها، از توسعه افراط‌گرایی مذهبی و نفوذ مغرضانه بیگانگان و در نتیجه، اقدامات تروستی جلوگیری خواهد شد.

۵. مبارزه با موج جدید اسلام‌هراسی: قطع نظر از دیگر عواملی چون جنگ‌های عثمانی صلیبی، گسترش مهاجرت مسلمانان به کشورهای غربی و خوف غربیان از اسلام سیاسی و به هم خوردن معادله قدرت، فعالیت‌های خشونت‌آمیز گروه‌های مذهبی نقش اساسی در پیدایش موج جدید اسلام‌هراسی^۱ در دنیای غرب دارد. (خسروی دهقی، اردی‌بهشت ۱۳۹۳، کد مطلب ۳۸۲۳۰۸) چنان‌چه نیم‌نگاهی به عملکردهای تخریبی و جرایم داخلی و بین‌المللی گروه‌های افراط‌گرای مسلمان انداخته شود، روشن می‌شود که از یک طرف، رفتارهای خشونت‌آمیز ایشان علیه غیر مسلمانان، اقلیت‌های مذهبی چون شیعه و دیگر مخالفان بر مبانی فکری سلفی وهابی استوار است. از طرف دیگر، آب‌شخور مادی و معنوی و حامیان اصلی آن‌ها برخی دولت‌های منطقه غرب آسیا مانند عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی است که برای اقلیت‌های مذهبی ساکن در کشورهاشان حتی حداقل‌های حقوق بشری را قائل نیستند. بنا بر این، افزون بر آن‌که میان خشونت‌طلبی‌های داخلی و منطقه‌ای گروه‌های تکفیری ارتباط تنگاتنگی است، هنجارشکنی‌های حقوقی ایشان نیز ارتباط نزدیک با بی‌توجهی کشورهای منطقه به حقوق اقلیت‌های مذهبی و فتاوی تکفیری عالمان درباری دارد (سایت فارسی بی‌بی‌سی، به نقل از روزنامه مکه، فتوای مفتی عربستان مبنی بر کفر ایرانیان، پس از پیام رهبری به مناسبت ایام حج و اولین سالگرد حادثه منی). از این رو، به نظر می‌رسد هر گاه حقوق اقلیت‌های مذهبی در منطقه تأمین گردد، اقدام مفیدی برای مبارزه با افراط‌گرایی مذهبی

و رویکرد تکفیری‌گری و موج جدید اسلام‌هراسی در دنیا صورت گرفته است.

ب) چالش‌های تأمین حقوق اقلیت‌ها

با وجود فرصت‌هایی که برای تأمین حقوق اقلیت‌های مذهبی برشمرده شد، چالش‌هایی نیز فراروی این رویکرد وجود دارد. برای رفع ابهام از جایگاه بسیار مهم فرصت‌های مزبور لازم است به ارزیابی بعضی از مهم‌ترین چالش‌هایی اشاره شود که احتمالاً در قبال تأمین حقوق اقلیت‌ها وجود دارد.

۱. **ناسازگاری با دیدگاه جهان‌وطنی اسلامی:** تمام مسلمانان قطع نظر از تنوع مذهبی، امت واحدی هستند که چتر اسلام همگی را در برمی‌گیرد و تکیه بر جنبه‌های تمایز ایشان همانند اکثریت و اقلیت با دیدگاه امت/جهان‌وطنی اسلامی سازگار نیست؛ زیرا مطابق این دیدگاه، همه مسلمانان برادر و برابرند.

چالش فوق هر چند مبتنی بر آموزه‌های اصیل اسلامی است و آن را نمی‌توان منکر شد، اما با توجه به شرایط حاکم بر سرزمین اسلامی که مسلمانان در احاطه مرزهای جغرافیایی و حکومت‌های متعدد قرار دارند، اولاً چنین دیدگاهی عملاً از دور اجرایی خارج است. ثانیاً اقلیت‌های مذهبی در قلمرو حاکمیت‌های مختلف پراکنده‌اند که حداقل در جهان معاصر هویت جمعی و حداقل‌های حقوق بشری و شهروندی ایشان در بسیاری از کشورها نادیده انگاشته و در نتیجه، سبب بروز جنگ‌ها و ناامنی‌ها شده است. از این رو، تا هنگامی که شرایط حاکمیت اسلام بر تمامی مسلمانان فراهم گردد، به مقتضای قواعد کلی صلح، حق حیات انسانی، اخوت اسلامی، کرامت انسانی، نفی تبعیض و دیگر دلایل معتبر باید حقوق ایشان از سوی اکثریت حاکم تأمین گردد.

۲. **به خطر انداختن تمامیت ارضی و امنیت ملی:** تأمین حقوق اقلیت‌ها هر چند منطبق با اسناد بین‌المللی و مبانی اسلامی است، ولی ممکن است افزون بر تعارض با حقوق و آزادی‌های دیگران، استقلال، تمامیت ارضی و امنیت و وحدت ملی را در خطر جدی قرار دهد. (جهانی، ۱۳۹۲: ۲۰؛ ۶ و ذوالعین، ۱۳۷۳: ۱۵؛ ۴۵۶) باید پذیرفت که چنین چالشی فراروی اقلیت‌گرایی مذهبی وجود دارد (هاشمی، ۱۳۹۲: ۸۱)، اما باید به یاد داشت که تأمین حقوق اقلیت‌ها و دیگر شهروندان از دیدگاه اسناد بین‌المللی امری تقییدناپذیر نیست، بلکه مهم‌ترین حقوق اقلیت‌های مذهبی باید به گونه‌ای تأمین شوند که با نظم، امنیت، بهداشت، اخلاق عمومی و حقوق و آزادی‌های دیگران در تعارض قرار نگیرند (کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۹، بند دوم). بهره‌مندی تمامی

شهروندان از حقوق و آزادی‌هایشان مشروط به معقول بودن است. معنای معقول بودن آن است که موافق اصول و قوانین مفید انسانی مورد استفاده قرار گیرند (جعفری: ۲۹۵). هم‌چنین پذیرش و تأمین حقوق اقلیت‌ها به معنای پذیرفتن استقلال اقلیت‌ها و تجزیه کشور نیست. از منظر اسناد بین‌المللی به خصوص اعلامیه حقوق اقلیت‌ها و ماده ۲۷ میثاق مدنی و سیاسی که تأکید زیادی بر حفظ فرهنگ خاص و دیانت کرده است، حتی به صورت دلالت ضمنی، جدایی اقلیت‌ها از کشوری که حقوق آن‌ها را تأمین کرده است، پذیرفته نشده است. (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹: ۴۱۷-۴۱۸ و زمانی، ۱۳۸۴: ۱۸۰) بر فرض که جایگاه حقوق اقلیت‌ها تا سرحد تعارض با موارد مزبور ارتقا داده شود، هر گاه امنیت ملی، استقلال کشور، وحدت ملی و دیگر مقوله‌هایی از این قبیل با آزادی یا امنیت یا دیگر حقوق شهروندان و اقلیت‌ها در تضاد واقع شوند، باید با معیار عدالت سنجیده شود و در نتیجه، هر کدام که مقتضی عدالت است، مقدم داشته شود. (عمید زنجانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱: ۳۲۴)

۳. **تحمیل هزینه‌های گزاف بر دولت:** به رسمیت شناختن اقلیت‌های مذهبی و تأمین حقوق ایشان افزون بر مشکل اقلیت‌گرایی و سوق دادن کشور به سمت تجزیه، هزینه‌هایی اقتصادی را نیز بر دولت تحمیل می‌کند. به عنوان مثال، هر گاه احوال شخصیه اقلیت‌های مذهبی به رسمیت شناخته شود، نیاز به مکانیسم خاص اجرایی دارد که بار اقتصادی اضافی بر دوش ملت و دولت خواهد بود. این چالش نیز در مصاف تأمین حقوق اقلیت‌های مذهبی قابل توجه نیست؛ زیرا اولاً می‌توان شعبه‌هایی را به احوال شخصیه اقلیت‌های مذهبی اختصاص داد. با اختصاص دادن چند شعبه از دادگاه‌های حقوقی به امور اقلیت‌های مذهبی هم حجم پرونده‌های مختلط تقلیل می‌یابند و هم اقلیت‌های مذهبی به خواسته‌هایشان می‌رسند. بدیهی است کارآیی مزبور ارزش چنین هزینه‌هایی را دارد. ثانیاً دادگاه‌ها می‌توانند بدون تفکیک شعبه‌ها بر اساس آرای مشهور اقلیت‌های مذهبی به دعاوی اشخاص رسیدگی کنند که در این صورت، هیچ بار اضافی پدید نیامده است. (رئیس‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲)

ج) چالش‌های نادیده‌انگاری

نابردباری مذهبی از دیر باز یکی از عوامل اساسی جنگ‌ها و زمینه انعقاد معاهده‌های بین‌المللی بوده است (عمید زنجانی، ۱۳۷۰: ۷-۱۴ و زمانی، ۱۳۸۴: ۱۵ و ۱۶: ۱۴۶). از این‌رو، لازم است که نسبت به امور مذهبی به خصوص مذهب به معنای خاص

خود که یک انشقاق درون‌دینی محسوب می‌شود، با احتیاط برخورد شود. با ظهور دولت‌شهرهای مدرن و رواج یافتن مردم‌سالاری هر چند انتظار می‌رفت نقش مذهب در مسائل مختلف کم‌رنگ شود، ولی بر عکس آن، مذهب هم‌چنان جایگاه مقتدرانه‌اش را در بسیاری از امور نشان می‌دهد. یکی از مواردی که امروزه، به خصوص در منطقه غرب آسیا بسیار پررنگ بروز کرده، بحث نگرش به حقوق اقلیت‌های مذهبی است. در همین راستاست که اکثریت مذهبی حاکم، نسبت به اقلیت محکوم محدودیت‌ها و تنگناهایی را ایجاد می‌کنند. این امر هر چند به ظاهر در راستای حفظ و تقویت مذهب و مذهبی‌های مورد نظر صورت می‌گیرد، اما آنچه در واقع محقق می‌شود، نه تنها به ضرر اقلیت است، بلکه منافع اکثریت را نیز به صورت جدی در خطر قرار می‌دهد. آنچه در زیر می‌آید، برخی از مهم‌ترین اموری است که ممکن است در پی بی‌توجهی به حقوق اقلیت‌های مذهبی پدید آید:

۱. شورش، جنگ داخلی و استقلال: امروزه در پرتو رشد دانش بشری، کثرت وسایل اطلاعات جمعی و سهولت دسترسی بدان‌ها، همه گروه‌های انسانی از تمامی حقوق و آزادی‌های بایسته خود آگاهند. از این رو، در نوع کشورهایی که به لحاظ تقنینی یا اجرایی تبعیض سیستماتیک نسبت به اقلیت‌ها روا داشته می‌شود، موج حق‌خواهی، عدالت‌طلبی و مساوات‌گرایی مشهود است. چنانچه به این خواست طبیعی و مهم، پاسخ مناسب و عادلانه داده نشود، در موارد زیادی دامنه آن به اعتراض، تظاهرات، شورش داخلی و چه بسا به جدایی خواهد انجامید (هاشمی، ۱۳۹۲: ۸۱)، چنان‌که نادیده‌انگاری حقوق مدنی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اقلیت‌های مذهبی در کشور بحرین از سوی حکومت آل خلیفه و در کشور یمن از سوی دولت مورد حمایت عربستان سعودی به اعتراض جدی و جنگ داخلی و نادیده‌انگاری حق اقلیت مسلمان در شبه قاره هند به ایجاد کشور جدیدی به نام پاکستان انجامید (هاشمی، همان). هر گاه اکثریت حاکم، خواست‌های مشروع اقلیت‌های مذهبی را که با مبانی اسلامی و بین‌المللی انطباق دارند، مراعات کند و شهروندان را به درجه یک و دو تقسیم نکند، از تهدیدها، اعتراض‌ها و شورش‌هایی که ممکن است از ناحیه عدم مراعات حقوق اقلیت‌های مذهبی برخیزد، جلوگیری کرده است. در حقیقت، تأمین حقوق اقلیت‌ها تنها ابزار جلوگیری از خشونت‌هایی است که ناشی از تلاش این گروه‌ها برای حفظ و توسعه هویت‌های جمعی و مقاومت دولت‌ها برای پاسداری از یک‌پارچگی ملی است و هر دو گروه را به خواسته‌هایشان می‌رساند.

(عظیمی، ۱۳۹۲: ۱۷۳)

۲. هم‌یاری گروه‌های هم‌سو در کشورهای مجاور: به رسمیت نشناختن حقوق اقلیت‌های مذهبی افزون بر نزاع‌های داخلی موجب می‌شود که در کشاکش حق‌طلبی‌ها، گروه‌های هم‌سوی اقلیت‌های مذهبی در کشورهای مجاور، منطقه و چه بسا قدرت‌های هم‌سو با ایشان نیز به حمایت از اقلیت تحت ستم برخیزند و از راه‌های گوناگون به یاری‌شان بشتابند. (شایگان، ۱۳۹۱: ۱۴: ۷۱) این چالش نیز بسان دیگر چالش‌های فرارو، در بسیاری از کشورهای منطقه غرب آسیا به وضوح مشاهده می‌شود. حضور پررنگ مذهبی‌ها در جنگ‌های سوریه، عراق و یمن از شواهد روشنی است که هم‌یاری مذهبی از عوامل تشدیدکننده اختلافات داخلی است؛ اختلافاتی که ممکن بود با به رسمیت‌شناسی حقوق اقلیت‌ها مطابق آموزه‌های اسلامی و قوانین بین‌المللی از اساس منتفی گردد.

۳. دخالت نهادهای بین‌المللی: طبق قوانین بین‌المللی نزاع‌های داخلی زمینه مداخله قدرت‌های بین‌المللی را فراهم می‌سازد. منشور ملل متحد در ماده ۳۹ مقرر کرده است: «شورای امنیت وجود هر گونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی طبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود.» بر این اساس، هر گاه نزاع داخلی که چه بسا در تبعیض مذهبی و محروم کردن اقلیت‌ها از حقوق خویش ریشه دارد، تهدیدی علیه صلح به شمار آید، زمینه دخالت شورای امنیت را برای اعاده صلح فراهم می‌سازد. ناگفته نماند که صرف دخالت شورای امنیت که در راستای اعاده صلح و امنیت صورت می‌گیرد، هر گاه به صورت بی‌طرفانه و عادلانه صورت گیرد، پدیده مطلوبی است و شاید از پشتوانه دینی و عرفی نیز برخوردار باشد؛ بدین بیان که از دیدگاه قرآن، «برّ و تقوا» محور عمل صالح و هدف ایمان است. بدون شک، ایجاد و استمرار صلح و امنیت هم «عمل صالح» و هم هدف تمامی دولت‌هاست و آن‌ها در این مسئله، «مشترک المنافع» محسوب می‌شوند. بر این اساس، تأمین حقوق اقلیت‌های مذهبی با نگاه منفعت‌گرایانه سازگار و قابل توجیه است و محرومیت اقلیتی از شهروندان در درازمدت به نفع اکثریت هم نیست؛ زیرا در جامعه/ منطقه‌ای که حداقل‌های حقوقی مراعات نشود، ثبات و امنیت در سطح ملی و بین‌المللی در تهدید و مخاطره جدی قرار خواهد گرفت. (قاری‌سیدفاطمی، ۱۳۸۹: ۷۵) از این رو، دولت‌ها باید عکس‌العمل

مشترکی از خود نشان دهند. (عمید زنجانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۲۹)

۴. **دخالت قدرت‌های جهانی:** همان گونه که اشاره شد، بشر قطع نظر از موقعیت جغرافیایی سرنوشت مشترک دارد. این امر موجب می‌شود درباره امور مخاطره‌آمیز از سوی نهادهایی چون شورای امنیت که بر پایه ضرورت و قرارداد اجتماعی به وجود آمده است، عکس‌العمل صورت گیرد، اما شواهد نشان می‌دهند که معمولاً جهت‌گیری‌های نهادهایی چون شورای امنیت به دلیل عدم برخورداری از استقلال کامل و وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی چندان عادلانه و بی‌طرفانه نبوده است، بلکه قدرت‌های فرمانطقه‌ای با استفاده ابزاری از عنوان شورای امنیت و اختلافات مذهبی، نفوذ خویش را در قلمرو سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی کشورها و منطقه گسترش داده و موجب دوام و توسعه جنگ و ناامنی گردیده‌اند. نمونه آشکار آن نیز حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، افغانستان، سوریه و عراق و نیز حضور مادی و معنوی عربستان سعودی در کشورهای متعدد اسلامی است که در نتیجه جنگ داخلی افغانستان، سوریه، عراق و ناامنی‌های بحرین اتفاق افتاده است. بدیهی است تضاد گروه‌های مذهبی و نادیده گرفتن حقوق اقلیت‌های مذهبی در پیدایش این وضعیت نقش بسزایی داشته‌اند. (ابراهیم، ۱۳۷۵: ۱۵: ۲۸۱) نکته مهم‌تر این است که دخالت و حضور قدرت‌های جهانی پی‌آمدهایی مانند استمرار درگیری‌های داخلی، تداوم بحران‌های فرهنگی، اقتصادی و امنیتی را به دنبال دارد که رفع و جبران آن‌ها در کوتاه مدت و به راحتی ممکن نیست. (ملکی، ۱۳۷۵: ۱۵: ۷۳)

۵. **بازار مصرف شدن و وابستگی شدید:** مطابق گزارش منتشر شده در سایت فارسی بی‌بی‌سی و شبکه خبری العالم تحت عنوان «عربستان رکورد جهانی خرید سلاح را شکست»، این کشور در سال ۲۰۱۵ میلادی با افزایش ۵۰ درصدی به مبلغ ۹ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار سلاح خریده است. طبق این گزارش، امریکا هم‌چنان بزرگ‌ترین صادرکننده سلاح است و سلاح‌هایی به ارزش ۲۳ میلیارد دلار فروخته که ۸ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار آن به منطقه خاورمیانه فروخته شده است. (Alalam.ir.) طبیعی است که وجود انبارهای سلاح و توزیع آن میان گروه‌های فشار افزون بر وابستگی تسلیحاتی، ناامنی‌های وسیعی به دنبال دارد.

این مسئله بی‌ارتباط با رویکرد سیاسی و اقتصادی هر دو کشور و نگرش مذهبی و حقوقی عربستان و دیگر کشورهای خاورمیانه به حقوق اقلیت‌های مذهبی نیست. رژیم

پادشاهی آل سعود برای توسعه سلطه‌جویی‌های ضد اقلیتی خود، به ناچار مبالغه‌گفتی را صرف می‌کند تا ناهنجاری‌های سیاسی و حقوقی خویش را در صحنه بین‌الملل توجیه و موجودیت خود را حفظ نماید. هر گاه به جای چنین سیاست‌های ناسنجیده و هنجارگریز، حقوق اقلیت‌های مذهبی در این کشور و دیگر کشورهایی که در تیررس نفوذش قرار دارند، به رسمیت شناخته شود، هیچ دولتی مجبور نیست بازار مصرف سلاح برای کسانی گردد که منافع خود را از آن طریق تأمین می‌کنند.

هر گاه حکومت‌ها حقوق اقلیت‌های مذهبی در قلمرو حاکمیت خویش را به رسمیت بشناسند، از وابستگی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی که احتمالاً برای تأمین نیازهای کشورهای و سرکوب اقلیت‌ها و توجیه این عملکرد ضد حقوق بشری لازم است، جلوگیری خواهد شد. چنین شرایطی است که کشور را به لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی به شدت به قدرت‌های برون‌مرزی وابسته و ایشان را از فرهنگ اسلامی دور می‌سازد. طبیعی است هر گاه صلح مثبت بر کشوری حاکم باشد، از غارت مستقیم/ غیر مستقیم سرمایه ملی توسط بیگانگان نیز جلوگیری می‌شود و دولت مجبور نیست که تمام اهماش را بر حفظ موجودیت خویش/ صلح منفی بگمارد.

۴. راه کارها

قطع نظر از مشکل ساختاری (اقتدارگرایی مطلق) که دامن‌گیر برخی از حکومت‌های منطقه است، حقوق اقلیت‌های مذهبی به خصوص در منطقه غرب آسیا سه نوع کاستی تقنینی، اجرایی و نظارتی دارد که هر کشوری به مقتضای قواعد و مقررات بین‌المللی ملزم به اتخاذ تمهیدات لازم در قبال آن است (بارانی، ۱۳۹۳: ۴۳). بنا بر این، تنها به ارائه سه راه‌کار ذیل بسنده می‌شود:

الف) تقنینی: حکومت‌های حقوق بشرگریز منطقه بایست از طریق اجرایی کردن کنوانسیون‌های بین‌المللی و تدوین منشور منطقه‌ای که برای حل مشکلات جهان اسلام/ منطقه غرب آسیا صورت می‌گیرد، حقوق اقلیت‌های مذهبی را در قوانین داخلی خویش به صورت شفاف، بر اساس اصول مسلم اسلامی و قواعد بین‌المللی پیش‌بینی و در صورت نیاز با مکمل‌هایی چون تصویب «حقوق احوال شخصیه اقلیت‌های مذهبی» تکمیل نمایند.

ب) اجرایی: در راستای حسن اجرای قوانین حقوقی اقلیت‌های مذهبی باید از افراد متخصص و بی‌تعصب به ویژه فقیهان و حقوق‌دانان متعلق به این گروه استفاده شود؛

زیرا این امر افزون بر حسن استفاده از کارشناس، رضایت‌مندی و آرامش اقلیت‌های مذهبی را نیز به دنبال دارد که خود در ایجاد و حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای بسیار تأثیرگذار است.

ج) نظارتی و حمایتی: از آن‌جا که مکانیسم نظارتی و حمایتی بین‌المللی و پیش‌بینی شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به تنهایی کافی نیست، به منظور جلوگیری از پای‌مال شدن حقوق اقلیت‌ها در ابعاد مختلف باید کارگروهی تقنینی و اجرایی که متشکل از افراد بی‌طرف و مورد تأیید هر دو گروه اکثریت و اقلیت است، بر حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های مذهبی نظارت مستمر داشته باشد. برای تشکیل کمیسیون یادشده دو راه وجود دارد. یکی این‌که سازمان کنفرانس اسلامی به صورت جدی وارد صحنه شود و چنین کارگروهی را ایجاد کند؛ زیرا حفظ و ایجاد صلح یکی از اهداف مهم این سازمان به شمار می‌رود. دیگر این‌که کشورهای منطقه با تدوین منشوری برای ایجاد هم‌بستگی و دفاع از منافع مشترک و موضع‌گیری مناسب در مقابل تهدیدات و خطرات مشترک، اتحادیه منطقه‌ای ایجاد نمایند که وظیفه تدوین «اعلامیه حقوق پیروان مذاهب اسلامی» و نظارت بر حقوق اقلیت‌ها را نیز به عهده داشته باشد.

نتیجه‌گیری

تعیین و تدوین حقوق اقلیت‌های مذهبی مطابق دیدگاه «جهان‌وطنی اسلامی / امت اسلامی» امری مفروغ‌عنه و غیر لازم است، ولی در دنیای معاصر اسلامی، دستیابی به چنین نظامی به دلیل وجود مرزبندی‌های جغرافیایی و حاکمیت‌های مستقل با گرایش‌های پیدا و پنهان و تضادهای مذهبی میان گروه‌های مذهبی عملاً در حد ایده و امری تحقق‌نیافتنی است. از این رو، لازم است که حقوق اقلیت‌های مذهبی به مقتضای مبانی اسلامی و قواعد مسلم حقوق بشری از سوی اکثریت حاکم به رسمیت شناخته و در قوانین داخلی به وضوح بیان شوند؛ زیرا در غیر این صورت، هیچ‌یک از چالش‌هایی از قبیل شورش، اعتراض و نزاع داخلی، هم‌یاری گروه‌های هم‌سو در کشورهای مجاور، نزاع‌های بین‌المللی، دخالت قدرت‌های منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای و بین‌المللی و تبدیل شدن جامعه به بازار مصرف بیگانگان دور از انتظار نخواهند بود.

اگر حقوق اقلیت‌های مذهبی تأمین گردد، انتظار می‌رود که صلح مثبت و امنیت پایدار، هم‌گرایی مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، شکوفایی و توسعه پایدار، جلوگیری

از گسترش تروریسم مذهبی و مبارزه با موج اسلام‌هراسی را به دنبال داشته باشد. طبیعی است هر یک از چالش‌ها و فرصت‌های مزبور با صلح و امنیت منطقه‌ای ارتباط تنگاتنگی دارد که ضرورت تأمین حقوق اقلیت‌ها را در منطقه غرب آسیا ضروری می‌نماید.

فهرست منابع

الف) کتاب

۱. انوری، حسن (۱۳۸۶). فرهنگ بزرگ سخن (جلد ۸)، تهران: سخن، چاپ چهارم.
۲. آریاپارسا، آیدا (۱۳۹۳). حقوق محیط زیست و توسعه پایدار، تهران: خرسندی، چاپ اول.
۳. آقابخشی، علی و مینو افشاری راد (۱۳۸۲). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار، چاپ اول.
۴. بارانی، محمد (۱۳۹۳). پیش‌گیری از جرایم جهانی: تعهد بین‌المللی دولت‌ها، تهران: میزان، چاپ اول.
۵. تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶). حقوق بشر، ترجمه: حسین شریفی طرازکوهی، تهران: میزان، چاپ اول.
۶. ترنبری، پاتریک (۱۳۷۹). حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها، ترجمه: آزیتا شمشادی و علی‌اکبر آقایی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۷. جعفری، محمدتقی (۱۳۸۸). حقوق جهانی بشر: مقایسه و تطبیق دو نظام اسلام و غرب، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ چهارم.
۸. رئیس‌زاده، محمد، سعید عدالت‌نژاد و دیگران (۱۳۸۹). حقوق اقلیت‌ها: حقوق زن، کودک و چند جستار دیگر، تهران: نشر کتاب مرجع، چاپ اول.
۹. ساکی، محمدرضا (۱۳۹۲). حمایت کیفری از حقوق بشر (جرم‌انگاری و ضمانت اجرا)، تهران: میزان، چاپ اول.
۱۰. عظیمی، محمدرضا (۱۳۹۲). اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل (تاریخچه، پیمان‌ها، حدود و حمایت‌ها)، تهران: پردیس دانش، چاپ اول.
۱۱. عمید زنجانی، عباس‌علی (۱۳۷۰). حقوق اقلیت‌ها، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم.
۱۲. عمید زنجانی، عباس‌علی و دیگران (۱۳۸۹). دانش‌نامه فقه سیاسی (جلد ۱ و ۲)، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۳. قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر؛ دفتر یکم: درآمدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، تهران: شهر دانش، چاپ دوم.
۱۴. قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۸۹). حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم:

- جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، تهران: شهردانش، چاپ دوم.
۱۵. گروه تحقیق مؤسسه اندیشه‌سازان نور و جمعی از نویسندگان عرب (۱۳۸۶). تروریسم و حقوق بین‌الملل، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور، چاپ اول.
۱۶. موسوی کاشمیری، سید مهدی (۱۳۸۸). دولت اسلامی و امنیت، تهران: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، چاپ اول.
۱۷. مهرپور، حسین (۱۳۷۶). حقوق بشر و راهکارهای آن، تهران: اطلاعات.
۱۸. مهرپور، حسین (۱۳۹۲). نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران: اطلاعات، چاپ پنجم.
۱۹. وکیل، امیرساعد و پوریا عسکری (۱۳۸۳). نسل سوم حقوق بشر (حقوق هم‌بستگی)، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول.
۲۰. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۲). حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی، تهران: میزان، چاپ دوم.

ب) مقاله

۱. ابراهیم، سعید (۱۳۷۵). «سمینار: افغانستان و امنیت منطقه‌ای تهران» (۱۰ تا ۱۲ تیر)، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تیر، شماره ۲۸۱.
۲. بهاری، بهنام و مهدی بخشی شیخ‌احمد (۱۳۹۰). «حول مفهوم تروریسم از انگیزه تا گستره فعالیت»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، زمستان، شماره ۱۵۹.
۳. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۷). «در تکاپوی صلح پایدار»، الهیات و حقوق، سال هشتم، تابستان، شماره ۱۹.
۴. جهانی، محمد (۱۳۹۲). «تأثیر اقلیت‌گرایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، آفاق امنیت، سال ششم، شماره ۶.
۵. خسروی دهقی، سهیل (۱۳۹۳). «علل و عوامل ترویج اسلام‌هراسی در جهان معاصر و رویکردهای مقابله با آن از منظر روابط بین‌الملل»، در: <http://www.porsemannews.ir> اردی‌بهشت، کد مطلب ۳۸۲۳۰۸.
۶. ذاکریان، مهدی (۱۳۷۹). «فرآیند یک‌پارچگی نسل‌های حقوق بشر»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، مهر و آبان، شماره ۱۳۰.
۷. ذوالعین، نادر (۱۳۷۳). «حمایت از حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل»، تحقیقات حقوقی، اردی‌بهشت، شماره ۱۵.
۸. زمانی، سید قاسم (۱۳۸۴). «حمایت از اقلیت‌ها در اسناد جهانی حقوق بشر»،

- پژوهش حقوق عمومی، پاییز و زمستان، شماره ۱۵ و ۱۶.
۹. کاووسی، اسماعیل (۱۳۸۶). «گزارش علمی: راهبردهای تحقق امنیت منطقه‌ای در سند چشم‌انداز»، نگرش راهبردی، بهمن.
۱۰. لسانی، سید حسام‌الدین (۱۳۸۲). «جایگاه اقلیت‌ها در حقوق بین‌المللی بشر (آخرین دستاوردها)»، مجله حقوق خصوصی، بهار و تابستان، شماره ۳.
۱۱. ملکی، عباس، (۱۳۷۵). «سمینار: افغانستان و امنیت منطقه‌ای تهران» (۱۰ تا ۱۲ تیر)، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تیر، شماره ۲۸۱.
۱۲. میرمحمدی، معصومه‌سادات (۱۳۹۰). «مقایسه صلح پایدار در اندیشه انسان محور کانت و صلح عادلانه در اندیشه متفکران شیعی»، معرفت ادیان، پاییز، شماره ۱۳۷.

ج) سندها

۱. اعلامیه پایانی کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر تهران، مصوب ۱۹۶۸ م.
۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر.
۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۴. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.
۵. منشور سازمان ملل متحد.
۶. میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.
۷. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.